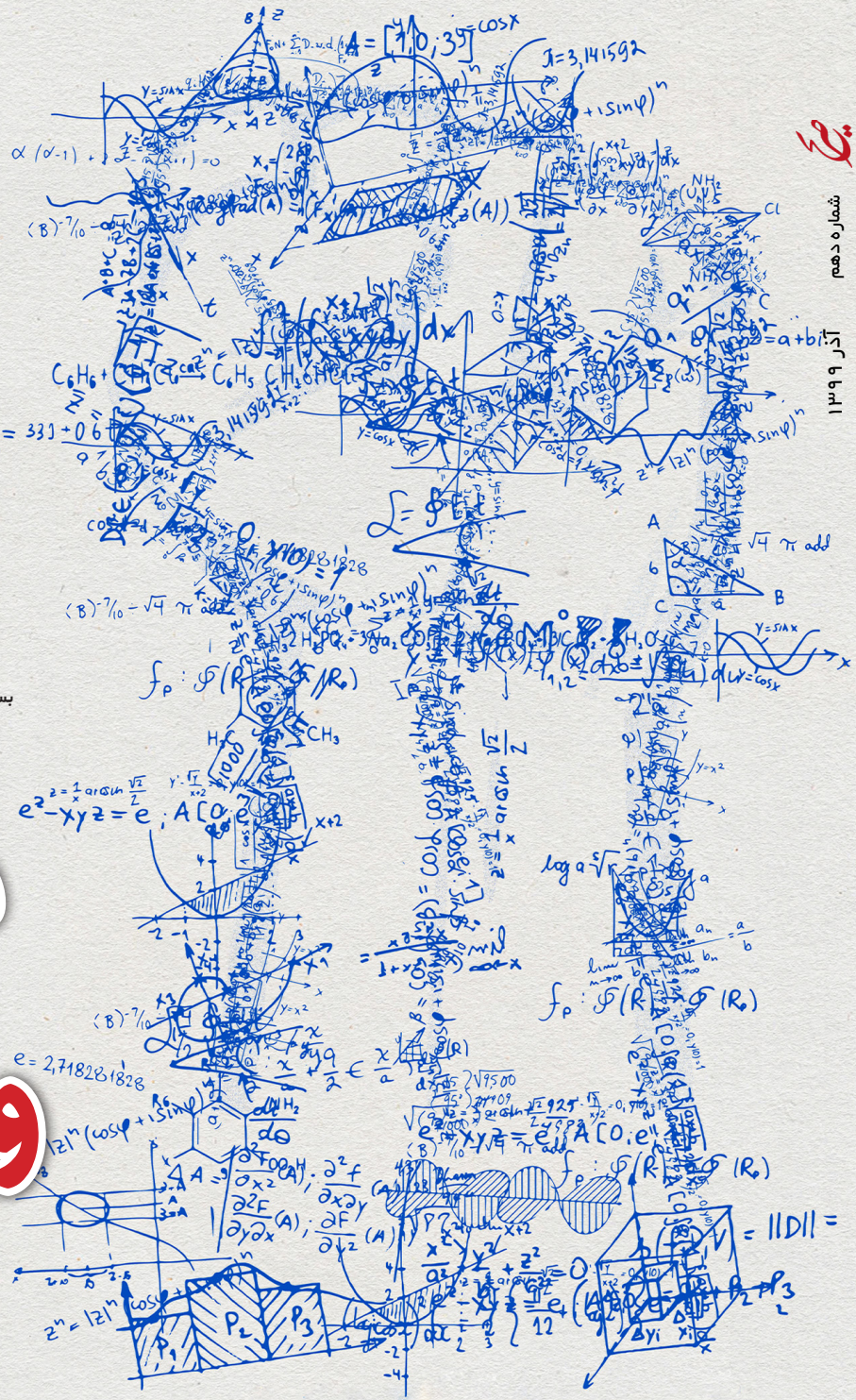


پیک

ماه نامه صریح - سال سوم - شماره ۱۰ - آذر ۱۳۹۹
بسج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - پایگاه شهید آوینی



دانشجویان و کشور

هیس!!!

غربی ها فریاد نمی زنند!

امید یک کشور

دانشجویان روی مورد امید یک کشور است، دانشجویان است که میتوانند در مقابل مشکلات بایستند؛ دانشجویان، هم جوان است، هم عالم است؛ او است که فردای کشور را باید اداره بکند، او است که باید آگاه باشد تا سنگر ایستادگی را در مقابل زیاده خواهان و فرصت طلبان و دیگران تقویت بکند، این باید محکم باشد.



جنگ سرخایی ها

آیا تا به حال از خودتان پرسیده‌اید که چرا نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انقدر برای مردم ایران مهم شده است؟ چرا دولت نگاهش وابسته به نتایج انتخابات آمریکا است و با خبر پیروزی جو بایدن هفتاد و اندی ساله در رسانه‌هایش اعلام می‌کند که برای ایران "معجزه" رخ داده است؟



شهدای اربعه

حلب، کافیست نامش از زبان جاری شود و به گوش اهل دلش برسد. کبکشان خاطرش ققنوس وار به سوی چهارستاره ای می رود که صورت فلکی زیبایی را در جبهه مقاومت ترسیم کردند و در آسمان آبی خاطره ها ماندگار شدند این روزها ستاره های قصه ما به شهدای اربعه حلب شهرت یافته اند.

- ۲..... سخن سر دبیر
- ۳..... یادداشت روز
- ۴..... نقد مستند
- ۵..... موسیقی
- ۶..... بچه های کار
- ۷..... تیک آبی ها
- ۸..... شبکه ملی اطلاعات
- ۹..... بلویم
- ۱۰..... تجرد قطعی
- ۱۲..... مودن جامعه
- ۱۳..... جنگ سرخایی ها
- ۱۴..... عادی سازی روابط با اسرائیل
- ۱۵..... عبور از روحانی
- ۱۶..... فرهنگ مردم در کرونا
- ۱۶..... روز کتابخوانی
- ۱۷..... شهدای اربعه
- ۱۷..... معرفی کتاب

صاحب امتیاز:
بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مدیر مسئول:
آران کمال آبادی

سر دبیر:
زهرامنصوریان

اعضاء هیئت تحریریه:
المیرا پری آذر / الهه جعفری / زهرا حسینی / سجاد حسینی
محمد رضا خبازیان / ترانه دفک / یگانه رضایی / امیررضا زمانیان
سید علیرضا طهوری / مبینا عز آبادی / نرگس عبدالله
فاطمه فتحی پور / آران کمال آبادی / پریان مرادی
زهرا منصوریان / صبا نصیری مقدم

ویراستاری و بازبینی نهایی:
نرگس عبدالله . سجاد حسینی . زهرا منصوریان . آران کمال آبادی

طراحی ، جلد، ویرایش عکس: مهدی جعفرزاده، محمدعلی شمسی نژاد

@basijutn_aviny ۰۹۹۲۵۷۵۴۲۳۵



دانشجویان آینده‌ی این کشور را رقم می‌زنند. پس باید به عنوان یک دانشجو در وهله‌ی اول دانش و توانمندی خود را بالا ببرند و بعد از آن به دنبال مطالبه و نقد درست مسئولین باشند. دانشجو باید مسئولیت پذیر و توانمند باشد و قبل از هر کاری هدف و راه رسیدن به آن را مشخص و برای رسیدن به آن تلاش کند؛ باید بتواند با پشتکار، خود را به ساختار مدیریتی کشور ثابت و اعتماد آن‌ها را جلب کند. اگر این اعتماد جلب شود راه مطالبه و نقد هم هموار می‌شود. (البته که نقد درست و به جا)

در این دوران، دانشجویی دغدغه مند علاوه بر مشغولیت ذهنی درباره تحصیل و کار خود، به دنبال تغییر و یا اصلاح روندی است که باعث به وجود آمدن مشکلات به خصوص مشکلات اقتصادی شده است اما قشر کثیری از این دانشجویان به دلیل شرایط پیش آمده (بیماری کرونا) و محدودیت‌های آن، به قول خودشان به سختی می‌توانند حتی درس‌هایشان را پاس کنند چه برسد به حل مشکل... و این توقفی است که در ادامه باعث رکود فرد و از بین رفتن دغدغه‌هایش می‌شود که در آخر هم روزمرگی را بدنبال می‌آورد. دانشجویان صدای جامعه و جزئی از مردم هستند پس باید با تحقیق و پژوهش و اعتماد و اثبات خود وضعیت جامعه از هر بعد را به اطلاع مسئولین برسانند و از آن‌ها خواستار تغییر و اصلاح روند و حل مشکل باشند. «برای اینکه ما بتوانیم به آینده‌های مطلوب برسیم، احتیاج به نسل جوان با همت پرانگیزه مومن تلاشگر کاردان راه بلد داریم.» بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل‌های مختلف دانشجویی ۸۵/۷/۲۵ ما به عنوان دانشجویان و آینده‌سازان این کشور باید برای ساختن و آبادانی آن تلاش کنیم. باید بتوانیم در هر عرصه نوآور و خلاق باشیم تا بتوانیم امید و امیدواری را در کشور زنده نگه داریم. انقلاب اسلامی از ابتدا تا کنون اهمیت و توجه خاصی نسبت به دانشجویان داشته و همیشه از آن‌ها به عنوان قشر برگزیده جامعه یاد



دانشجویان و کشور

پیش رفته ایم؛ علاوه بر اینکه در میدان‌های گوناگون پیشرفت‌های زیادی داشته ایم ولی همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اول راهیم؛ ما ابتدای راهیم.»

مقام معظم رهبری مدظله العالی

کرده است و همچنین دانشجویان نیز در دهه‌های اول انقلاب اسلامی در اکثریت عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... حضور و نقش پررنگی داشته‌اند؛ پس ما دانشجویان نیز باید اکنون راه‌آن عزیزان را ادامه دهیم و برای رسیدن به قله‌ها تلاش کنیم. «ما پیشرفت داشته ایم و در این راه ریزش و رویشی که نظام اسلامی دارد، مجموعاً رویش ما از ریزشمان بیشتر بوده است و



شیرینی که تلخ شد!

مجازی میشوی و اولین روز دانشجویی خود را به دور از انتظار شروع میکنی. البته محاسنی هم، مانند میل کردن صبحانه در حین برگزاری کلاس دارد و یا نیاز نیست حداقل یک ساعت قبل از شروع کلاس بیدار شویدی و سرما و گرمای راه را بچشیدی و غذاهای سلف را که اکثراً از آن ناراضی هستند برای ناهار نوش جان کنیدی. با گذشتن از همه‌ی این تفاسیر صفحه تازه‌ای از زندگی شما ورودی جدید عزیز ورق خورده است. به دوران مسئولیت پذیری درقبال خودت و صیقل داده شدن ویژگی‌هایت خوش آمدی. تولدی دیگر برای تو رخ داده است با این تفاوت که ایندفعه کاملاً به خودت بستگی دارد که کدام جهت از زندگی را میخواهی برای زیستن انتخاب کنی.

پیشم بودن. حداقل خوبیش اینه از شر اون نیمکت‌های سفت و کوچیک راحت میشم..... وارد دانشگاه میشوی و به بقیه دانشجویها که اکثراً با جمع‌های دوستانه خودشون هستند نگاه میکنی. هیچجانی شدی و ضربان قلبت تند میشود. خنده‌ات را جمع میکنی تا یک وقت نفهمند ورودی جدید هستی و همه‌چی برایت تعجب‌آور است. با همون حس اضطراب وارد کلاس میشوی و روزت رو ادامه میدی و در پایان روز در حین اینکه با لب‌های خندان و دلی شاد به سمت خانه رهسپار میشوی. صدایت می‌کنند، (از خواب) پاشو. بیدار شو. کلاست ده دقیقه دیگه شروع میشه، با لب‌ولوچه آویزان و دلی پر از غم پتو را کنار میزنی، سایت دان را میآوری وارد کلاس‌های

آران کمال آبادی

ساعت زنگ میخورد، هزاران سختی و مکافات خودت را به گوشی میرسانی و زنگ را قطع میکنی. با دلی پر از اضطراب و استرس آماده میشوی تا اولین روز زندگی دانشجویی خود را شروع کنی. با کیف و جامدادی که از دوران دبیرستان به یادگاری داری راهی دانشگاه میشوی. خوشحال از اینکه فصلی تازه از زندگی برایت شروع شده و قرار است حداقل ۴ سال با اتفاقات و رویدادهای متفاوتش دست‌وپنجه نرم کنی. تو راه به این فکر میکنی که! آگه وسط کلاس خواستم برم بیرون باید اجازه بگیرم؟! اوقت‌های خالی بین کلاس‌ها رو چیکار کنم؟! یککاش دوستام



کار گروه آیه

مبنا عزآبادی

طبق آمارهای ثبت شده سالانه صدها تعرض جنسی در دانشگاه های معتبر کشور های غربی صورت می گیرد، این در صورتی است که این کشورها مدعی هستند که آموزش های لازم را در این زمینه از کودکی شروع می کنند. نکته قابل توجه، پیگیری و نوع برخورد مسئولین در مواجهه شدن با این مشکلات است. دانشجویهای دختر و پسری که مورد تعرض قرار گرفته بودند، شجاعانه اعتراض خود را فریاد زدند اما با برخورد عجیبی مواجه شدند، آن ها تصور میکردند مدیران دانشگاه از آن ها حمایت میکنند و اقدام به اخراج افراد متعرض میکنند اما در کمال ناباوری نه تنها حمایت و اخراجی صورت نمیگیرد بلکه آن ها این موضوع را کاملا عادی جلوه میدهد و خواستار سکوت میشود. دانشجویان از خواسته خود دست نمیکشند و خواستار برقراری عدالت در کشوری هستند که ادعا میکند در همه زمینه ها عدالت دارد و حق کسی را ضایع نمیکند. پیگیری جدی میشود و شکایت به دادگاه میرسد، اما برخورد ها باز هم همه را شوکه میکند مدیران و رای دهندگان چیزهای جالبی میگویند، آن ها از نوع پوشش و حالت رفتاری آن ها ایراد میگیرند و مقصر را دختر جلوه میدهند. این در صورتی است که کشورهای غربی از کشورهای اسلامی بخاطر پوشش زنان ایراد میگیرد اما زمان منفعت خودشان، به دلیل نوع پوشش فرد بی گناهی را مقصر جلوه میدهند. آمار جالبی نشان داده که افرادی که دادگاه رای به اخراج آن ها داده است چند سال بعد، پس از فارق التحصیلی اخراج شدند که این موضوع سوژه رسانه های غربی شد. دانشجویان متعرضی که در دانشگاه نقش مهمی را ایفا میکردند و در تیم های ورزشی بودند بعد از کسب مقام برای دانشگاه اخراج میشدند. دانشجویان بعد از بی تفاوتی مدیران به صورت خودجوش سعی کردند تظاهراتی هایی انجام دهند و جلوی پیشروی این تعرضات را بگیرند که با تهدید های متعرضان و البته هشدار و تشویق مدیران به سکوت مواجه شدند، این در صورتی است که غرب مدعی آزادی بیان است اما

چیزی که مشهود است خلاف آن را اثبات میکند. نتیجه پیگیری شکایت بسیار تامل برانگیز است، در دانشگاه های معتبر از بین صدها شکایت تنها تعداد انگشت شماری نتیجه میدهند و متعرضان اخراج میشوند و در بعضی از دانشگاه ها بطور کلی کسی را اخراج نمیکند و نهایت تنبیه دو تا یک هفته تعلیق از دانشگاه است. در مورد هایی که به پلیس گزارش میشود تنها ۲۰ درصد آن ها مجازات میشوند در صورتی که میدانند این متعرضین به صورت یک گروه کار میکنند و مکان مشخصی دارند اما پلیس ها اجازه پیگیری ندارند زیرا این گروه ها برای دانشگاه منفعت هایی

دارد. نتیجه گیری نهایی وجود ندارد زیرا تمام این اعتراض ها همیشه بی پاسخ میماند و کشورهای بظاهر متمدن پاسخی برای دخترانی که هرگز نمیتوانند راحت زندگی کنند و خانواده هایی که دخترانشان به این دلیل خودکشی کردند، ندارند. حال سوال اینجا است که آزادی بیان، آزادی پوشش، امنیت و از همه مهم تر برقراری عدالت غربی ها این است که ما را تشویق میکنند مانند آن ها عمل کنیم؟

غربی ها فریاد نمی زنند!

نقد مستند شکار گاه

نت‌های بازار یاب

بهره بردن از قطعات موسیقی به اصطلاح هیت یا مشتقاتی از آن‌ها چون کلامشان، موسیقی خامشان، قطعه‌ای ریمیکس شده از آن‌ها، کاور شده‌ی آن‌ها آمیخته شده با کلامی دیگر و ... در تبلیغات و بازاریابی برای برندها، اتفاق جدیدی نیست و سال‌هاست به دلایلی مثل خاطره‌انگیز بودن اثر، محبوبیت خواننده‌اش، اعتبار عوامل قطعه و مواردی از این دست، از ظرفیت‌های موسیقی در بازار مارکتینگ استفاده می‌شود و آژانس‌های تبلیغاتی، چون برگ برنده‌ای این ترنند را برای مشتریان خود رو می‌کنند.

اترانه دفک

در ادامه‌ی این یادداشت قصد داریم موضوع را با مصداق‌هایی جلو ببریم و با معرفی دو نمونه‌ی بومی و غیربومی که اخیراً روی داده‌اند، کمی به زیر و زبر آن‌ها بپردازیم: اخیراً بر روی بیلبوردهایی در سطح شهر تهران برای تبلیغ برندی مربوط به سایتی واسطه‌گر برای اجاره‌ی اقامتگاه‌ها در مسافرت، از بخشی از متن کلام یک قطعه‌ی خاطره‌ساز در سبک رپ فارسی بهره بردند که به شدت برای اقشار مختلف با توجه به قوانین و هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی کشور ما، تعجب برانگیز بود! اما اجازه دهید در اینجا منصفانه و بی‌طرف، موضوع را بشکافیم: این تِرک خاص، تمام آن چه لازم است تا مخاطبان با دیدن متن کلامش در سطح شهر یک برنردار در ذهن ثبت کنند و به یادشان بسپارند، داشت! قطعه‌ای هیت که برای نسل جوان جامعه خاطرات گذشته را به یاد می‌آورد و گروهی مشهور، که کمتر کسی است که نامشان را نشنیده باشد! تقریباً مولفه‌های لازم برای موفقیت در این نوع از بازاریابی را دارد. پس استفاده از آن در یک تبلیغ که نیازمند برندسازی سریع و چکشی است، به جا و به موقع به نظر می‌رسد. عجیب است که علی‌رغم مخالفت‌های همیشگی مسئولان با تقریباً تمامی قطعه‌های تولیدی در سبک رپ فارسی حتی آن تعداد هم که دارای محتوای ارزشمند و هدفمند هستند و از ابتدال، فحاشی و حتی موضوعات سیاسی به دورند، بر روی بیلبوردهای شهری، شاهد بخشی از محتوای قطعه‌ای بودیم که شاید آن تکه از کلام قطعه در ظاهر، عبارتی معمول به نظر آید اما در نهایت تمام آن قطعه را با جزئیات در ذهن مخاطب یادآور می‌شود. این قطعه که در قیاس با خیلی از قطعات دیگر همین سبک از موسیقی نه تنها دارای محتوای قابل اتکایی نیست بلکه بیشتر حاوی موضوعات آگروتیک* و حتی اروتیک* می‌باشد و شاید با هدف خنده‌آور بودن و کنایه‌آمیز بودن به امیال و دغدغه‌ی بخشی از نسل جوان تولید شده است و با عنایت به ارزش‌هایی چون

صراحت و صداقت برای رویاها و تصاویر جذاب ذهنی بخشی از شنوندگان منتشر شده است! و حال سوال ما در این نقطه و بعد از توصیف‌های مذکور این است که پس از آن همه مخالفت‌های حق و ناحق مسئولان با چنین سبکی، استفاده کردن از بخشی از تکست* چنین اثری از همین سبک که در نگاه اول بیننده را به یاد کلمات و جملاتی در متن اثر مایل بر ابتدال با توجه به کلام سایر قطعات موسیقی رپ فارسی و در واقع در قیاس با ترک‌هایی با کلام وزین‌تر و هم چنین با توجه به شرایط حاکمیت و هنجارهای تعریف شده، عجیب و حتی نامناسب نیست؟ و این موضوع نمی‌تواند شروع یک چالش فرهنگی در پیوند موسیقی با تبلیغات باشد؟ آیا نحوه‌ی نظارت بر تبلیغات شهری یا حتی مجوز به قطعات موسیقی، با این حرکت نباید زیر سوال رود و به کنکاش‌های دقیق‌تر کشانده شود؟ جدای از بحث محتوا، حق مولف اثر (هر چه قدر آن اثر بد یا مبتذل یا غیرمجاز) در این جا چه می‌شود؟! چون غیرمجاز است؛ چون صاحبان اثر ایران نیستند؛ چون این جا کپی رایت معنا نمی‌دهد؛ پس بدون در نظر گرفتن ذره‌ای حق مادی و معنوی به مولفان اصلی اثر، از آن استفاده کنیم و تازه سود هم ببریم؟ شخص دیگری، کار را با ذوق و خلاقیت و زحمتش حتی به غلط، به هر جهتی تولید کرده است و تو قرار است دسترنج او را آلتی خوش رنگ و لعاب برای سود بردنت کنی! او هیچ حق مادی و حتی حق آن که بداند قرار است با اثرش چنین و چنان کنند را ندارد؟ این مسئله، مسئله‌ی امروز و این مثال خاص نیست و ما همواره به شکل‌های متفاوتی با آن رو به رو بوده‌ایم و هستیم و صراحتاً عرض کنم که این بی‌احترامی به یک موزیسین با هر سطحی تلقی می‌گردد. در نمونه‌ی اخیر دیگری که غیربومی است، دقیقاً در نقطه‌ی مقابل از جهت رعایت حقوق مادی و معنوی طرفین قرار داریم! یک مارکتینگ دوسر بردا به تازگی میان رتبه‌ی دوم پردرآمدترین بازی موبایلی جهان و یکی از گروه‌های موسیقی کی‌پاپ (پاپ کره‌ای) که هر دو شهرت جهانی دارند، یک کمپین تبلیغاتی آغاز شده است که گمان می‌شود تا انتشار آلبوم این گروه موسیقی پیش

رود. به طرز خلاقانه، کاملاً برنامه‌ریزی شده و البته هوشمندانه، در بازی از مولفه‌هایی که بازیکن را به یاد گروه موسیقی مورد نظر می‌اندازد، استفاده شده است: ستاره‌های گروه موسیقی به بازی ورود پیدا کرده‌اند و حتی شناسه‌هایشان در اختیار عموم قرار گرفته است (به قطع می‌دانید که طرفداران پر و پاقرصشان خاصه نوجوانان مشتاقند به هر شکلی با این ستاره‌های کی‌پاپ ارتباط گیرند)، موسیقی اخیرشان در صفحه‌ی ابتدایی بازی به جای آهنگ همیشگی پخش می‌گردد، طراحی گرافیکی جایزه‌های جدید مبتنی بر هویت بصری این گروه موسیقی با رنگ‌ها و علائم خاص خودشان است و ... و البته لازم به ذکر است که در شبکه‌های اجتماعی هم این رشته تبلیغات به طور منظمی هم‌زمان پیش می‌روند و به یقین میزان اثرگذاری‌اشان را نمی‌توان دست کم گرفت. انتخاب جامعه‌ی هدف، در این نوع از تبلیغات بسیار هوشمندانه است؛ تقریباً هم بازی مورد نظر و هم این گروه موسیقی، مخاطبانی در یک رده‌ی سنی خاص و مشترک (نوجوانان و جوانان) و در سراسر جهان دارند و معادله در نهایت این گونه به پایان خواهد رسید: «تو برایم گیم‌رهای جدیدی از میان طرفداران جهانی‌ات می‌آوری و من شنوندگانی از سراسر جهان به تو تقدیم می‌کنم.»

در نهایت، بر خود می‌دانم این نکته را یادآور شوم که در این یادداشت سعی بر این بود تا زوایایی کم‌تر دیده شده از دنیای بازی گرفتن‌های زیرکانه‌ی موسیقی در تبلیغات، زیر ذره‌بین قرار گیرد و ضمن آگاهی بخشی، تا حدی هم بر موضوعاتی دست‌گذار و مطالبه‌گری کند و در کمال خود، سوال‌هایی را برای خواننده برانگیزد تا در موارد مشابه، با دیدی منتقدانه‌تر و چشمانی بازتر، با آن‌ها رو به رو شود که چگونه از نت‌های موسیقی، شما را به مشتری شدن وادار می‌کنند!

پشت چراغ قرمز بودم؛ چشمم به پسر بچه‌ی بانمکی افتاد، که کنار پنجره ماشین‌ها می‌رفت و سعی می‌کرد با خواهش و التماس گل‌هایش را بفروشد. اما به جز تلخی و کلافگی چیزی از مردم به او نمی‌رسید. یک نفر بخاطر حقوق نگرفته‌اش اخم می‌کرد و می‌گفت پول ندارم و دیگری چون دیشب خوب خوابیده بود، سر پسرک فریاد می‌کشید و او را از ماشینش دور می‌کرد. راننده‌ی ماشین بعدی که با خانمش دعوا می‌کرد، بین دعوا، یک فریاد هم بر سر پسر بچه کشید که چرا بی‌موقع به سراغش رفته‌است. پسر بچه که لبخندی تلخ بر لب داشت شاخه‌ای گل را به راننده داد و از او خواست که گل را به همسرش هدیه دهد. شاید این زیباترین تصویر مجسم از سخاوت پسر بچه در برابر نامهربانی‌ها بود. پسر بچه‌ای که حق داشت بخاطر مدرسه نرفتن از ما دلگیر باشد، حق داشت بدون فروش گل، حقش را بخواهد، حق داشت به جای داد و فریاد لبخندی هدیه بگیرد و شبانه دست پر به خانه برگردد. هیچگاه فکر نکردیم در خیابان‌های شلوغ شهر، تاریکی هوا، گرما و سرمای روزها یک بچه به دنبال چه می‌گردد؟ شاید با خریدن یک گل پول زیادی را از دست ندهیم اما قطعاً خوشحالی زیادی را به او خواهیم بخشید که همین را هم گاهی از آنها دریغ می‌کنیم. در این شهر شلوغ و پر هیاهو، عشق و محبت، گمشده‌های فراموش شده‌ای هستند که گاهی همین کودکان خسته‌ی کار با نگاهی معصوم و لبخندی شیرین به ما یادآور می‌شوند. در همین خیال بودم که پسر بچه به سمت من آمد. تمام خستگی و ناراحتی‌ام را پشت لبخند پنهان کردم و با خرید شاخه‌ی گلی از او، در خوشحالی‌اش سهیم شدم. محو دور شدن پسر بچه بودم و متوجه سبز شدن چراغ نشدم که با صدای بوق‌های پی‌در پی به خودم آمدم. بعضی وقت‌ها یک لبخند از اعماق وجود، من را فقیر که نمی‌کند هیچ، بلکه شاید یک کودک کار را برای لحظه‌ای ثروتمندترین آدم روی کره‌ی زمین کند.



کودکان کار

ملتها و جوامع ، با ایجاد محبوبیت‌های پوشالی برای افراد مختلف و گماشتن سلبریتی‌های بیسواد برای تصمیم‌سازی و جهت دادن افکار عمومی در راستای اهداف خود باشد . سرگرم کردن جامعه به مسائل سطحی و بوچ در شرایط عادی و سیاه جلوه دادن مسائل مختلف با یک شیب ملایم و به صورت تدریجی برای اقناع سازی افکار عمومی و ایجاد حس نارضایتی تا سر بزنگاه به کارشان بگیرند. شاید خیلی راحت نتوان پذیرفت که اینستاگرام در راستای اهداف مشخص افرادی خاص قدمی بردارد اما با دیدن دوگانگی رفتاری و مواردی مانند کودتای ونزوئلا که اینستاگرام در اقدامی عجیب صفحه رسمی رئیس جمهور قانونی ونزوئلا یعنی نیکولاس مادورو را از داشتن تیک آبی محروم کرد و آن را به خوان گایدو رهبر اصلی کودتا داد ، می‌توان این موضوع را راحت تر هضم کرد. آنطور که به نظر می‌آید افرادی که به دنبال منافع کشور و جامعه خود هستند اما به هر دلیلی که این وطن دوستی به مزاج سردمداران دنیا خوش نیاید ، نه تنها حمایت نمی‌شوند بلکه تحت حملات رسانه‌ای شدید و کوبنده آنها قرار می‌گیرند تا حذف عقیدتی شوند . شاید قوانین رسانه‌ها به ظاهر انسان دوستانه باشد اما خروجی این قوانین و منتشر شدن و حمایت شدن تصاویر خشونت آمیز و مستهجن به بهانه‌های تبلیغ مد لباس و موارد متعدد دیگر ، چیز دیگری را ثابت می‌کند. تیک آبی ها اکثرا وطن پرست نیستند چون اگر منافع کشورمان را حفظ می‌کردند پیچ آنها یا حمایت نمی‌شد یا حذف می‌شد . این نشان آبی مانند تابعیت دوگانه این افراد می‌باشد ، تابعیتی که در هنگام آپلود کردن عکس پاسپورت خود به دنبالش هستند و در ادامه‌ی آن به دنبال وطن دومی که برای آن سینه چاک دهند چرا که به زعم خود آن خاکی که در آن رشد کرده و آب خورده‌اند دیگر آن حاصل خیزی سابق را ندارد و در پی کندن ریشه خود از این خاک و جای دادنش در خاکی غریب ، زیر آسمانی که آفتابش غریب‌سوز است هستند. افرادی که بعضا در خارج از کشور روزگار خود را سپری می‌کنند و فقط برای کسب درآمد و ارضای حس محبوبیت و شهرت به وطنی که آن را در باور خویش به حراج گذاشته‌اند باز میگردند.

دید

بیشتری از

مخاطبین

عمومی قرار دارند

اما بازم از بین همین

سلبریتی‌ها کسانی می‌توانند گلچین اینستاگرام باشند ، چه کسانی؟! جواب این است ، تیک آبی‌ها. برای گرفتن تیک آبی ، اینستاگرام قوانین متعددی وضع کرده است که در این بین مواردی جالب وجود دارد و آن این است که فرد حقیقی درخواست دهنده برای تیک آبی باید عکس پاسپورت خود را در فرم پذیرش بارگزاری کند و باید در موتورهای جست‌وجوگر مانند گوگل نتایج قابل قبول و مورد تایید اینستاگرام را بدست بیاورد. تیک آبی‌هایی که اکثرا در موارد خاص و تنش برانگیز به جای آرام کردن افکار عمومی و برطرف کردن جو منفی در جامعه به آن دامن می‌زنند و واقعیات را فرای آن چیزی که واقعا وجود دارد نشان می‌دهند . بعضا در شرایط حساس اولیه‌ی ویروس کرونا و یا بیماران خاص ، داروی اشتباه تبلیغ می‌کنند یا در مواقع ناآرامی‌ها و آشوب‌ها در بین اغتشاش‌گران دیده می‌شوند و تصاویر خود را در پیج‌هایشان منتشر می‌کنند و یا کمپین‌های حمایت از آشوب‌گران خیابانی راه می‌اندازند. درست است که رسانه‌هایی همانند اینستاگرام قوانین به ظاهر صلح‌جویانه ، ضد خشونت و انحرافات جنسی وضع کرده است اما همه این‌ها فقط قوانین بزک شده این نوع رسانه‌ها هستند . درواقع رسانه یک سلاح است ، اینستاگرام می‌تواند ابزار رسانه‌ای برای سرکوب و کنترل

تیک آبی‌ها

آران کمال آبادی

از قدیم‌الایام تا کنون قشری خاص از یک جامعه مانند؛ اندیشمندان ، هنرمندان و حتی جنگجویان ، به دنبال تاثیرگذاری بر روی زندگی جامعه بشری و پیشرفت آن و ثبت ، نام خود در تاریخ بوده‌اند تا مردم وقت و آیندگان به نیکی از آنها یاد کنند اما همیشه بوده‌اند افرادی که نه به دنبال پیشرفت بلکه فقط به دنبال ثبت اسامی خود بر ورقی از تاریخ بوده‌اند. به زبان امروزی ما به اینگونه افراد سلبریتی می‌گوییم ، کسانی که به دنبال مقبولیت و شهرت هستند ، گاه از طریق عرف جامعه ، گاه از غیر آن. در قدیم ایجاد این مقبولیت با استفاده از ابزارهایی مانند شعر ،داستان سربازی‌ها ، نقل‌های دهان به دهان و ... انجام میشد اما امروزه ابزار رسانه‌های اینترنتی جایگزین تمامی ابزار گذشته شده است. در حال حاضر جامعه هر کشور رسانه‌ی خاص و مورد استفاده خود را دارد که در این بین اینستاگرام طبق آمار جهانی محبوب‌ترین رسانه بین ایرانی‌ها شناخته شده است ، یعنی چیزی حدود ۸۰ درصد از کسانی که از اینترنت استفاده میکنند اکانت اینستاگرامی دارند. در این بین سلبریتی‌ها عموماً با چند میلیون دنبال کننده ، افراد شاخصی هستند که در معرض

شبکه ملی اطلاعات سامانه ای است که در آن مردم با استفاده از اینترنت مناسب اقدام به تولید محتوای ارزشمند کنند و یا از تولیدات دیگران به آسانی استفاده کنند. برای رسیدن به این شرایط اینترنت سریع و ارزان و البته امن نیاز است. در شبکه ملی اطلاعات برای کسانی که می خواهند از محتوایی که درون کشور نگهداری می شود استفاده کنند اینترنت سریع و ارزان داده می شود اما برای دسترسی به محتوایی که در خارج نگهداری می شود سرعت و قیمت عادی در نظر گرفته می شود. این اینترنت سریع و ارزان راه را برای کسب و کارهای جدید باز می کند و همچنین بعضی از خدمات دولتی و اداری نیز می تواند در سایه امنیت ایجاد شده، به مردم ارائه شود. این طرح از چه زمانی شروع شده و تا الان چه مرحله ای را طی کرده است؟ این طرح از دولت قبل شروع شده است اما در دولت آقای روحانی و در سال کنونی به صورت جدی پیگیری شد. این طرح قرار است در سه فاز انجام شود که در فاز اول در هفته دولت راه اندازی شد. ابتدا به شرکت های ارائه کننده خدمات اینترنت دستور داده شده است که هزینه اینترنت داخلی (اینترنتی) که صرف ارتباط با سرور داخل کشور شده (است) را یک سوم هزینه اینترنت خارجی کنند. سپس ۴ مرکز تبادل ترافیک (IXP) در کشور راه اندازی شده است. وظیفه این مراکز پاسخ گویی به درخواست های اینترنتی کاربر می باشد. کار این مراکز مانند کار اپراتور شبکه در مرکز خدمات تلفنی ۱۱۸ می باشد که قبلاً مثلاً ۱۰ نفر مسئول پاسخگویی بودند اما امروز ۴۰ نفر! همچنین قابلیت ارتباط با شبکه تحویل محتوا (CDN) نیز دیده شده است. کار این مراکز مانند کار فروشگاه های بزرگ می باشد. قبلاً اگر مثلاً می خواستیم خوراک، پوشاک، لوازم التحریر و ... را تهیه کنیم باید کیلومترها به دنبال آنها در سطح شهر حرکت می کردیم اما امروز همه این ها را در یک فروشگاه بزرگ جمع کرده اند و فقط به آنجا مراجعه می کنیم! اما این ها فقط قسمتی از این طرح بزرگ است که در فاز اول آن انجام شده است و هنوز کامل نیست. بعد از این که این طرح با موفقیت ساخته شد و به کار افتاد، چه خدمات جدیدی را برای مردم دارد؟ خدماتی که خود این طرح ارائه می کند اینترنت سریع، ارزان و امن است اما کسب و کارهای دیگر می توانند با استفاده از این شرایط ایجاد شده خدماتی را ارائه کنند مثلاً:



- دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی اداری
 - تلویزیون اینترنتی و شبکه های HD
 - تماس تصویری
 - ذخیره سازی ابری و خدمات مبتنی بر ابر
 اما تا به الان چه مقدار هزینه صرف راه اندازی این شبکه شده است؟ حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان طی سه سال سرمایه گذاری شده است که سهم بخش دولتی ۲۰ درصد (چهار هزار میلیارد) و سهم بخش غیردولتی ۸۰ درصد بوده است. این هزینه ها صرف ایجاد مراکز تبادل ترافیک و همچنین شبکه تولید محتوا و هزینه ایجاد شبکه فیبر نوری و توسعه شبکه اینترنتی کشور شده است. برخی مدعی هستند که این هزینه ها بیش از هزینه

لازم برای پیادسازی زیرساخت های تهیه شده می باشد و دولت خیلی بیش از حد هزینه کرده است. آیا این که گفته می شود "قبلاً برای باز کردن یک سایت ایرانی، باید درخواست ما یک دور به خارج می رفت و دوباره برمیگشت" درست است؟ خیر، در زمانی که فاز اول شبکه ملی اطلاعات در هفته دولت افتتاح می شد این امکان در داخل کشور وجود داشت که اگر می خواستیم سایتی که سرور آن داخل کشور وجود دارد را باز کنیم نیازی به ارسال درخواست به خارج کشور نبود. اما باید بدانیم که برخی از شرکت های ایرانی، به دلایل مختلف سرورهای اصلی خود را در خارج از کشور قرار داده اند. اگر شما بخواهید به این سایت ها دسترسی داشته باشید، این سایت ها نیز مانند دیگر سایت های خارجی هستند و باید درخواست شما یکبار به سرور مسیریاب اصلی ارسال خارج کشور ارسال شود و دوباره برگردد. تغییری که در فاز اول شبکه ملی اطلاعات اتفاق افتاد این بود که هزینه استفاده از سایت هایی که سرور آن داخل کشور است یک سوم هزینه استفاده از آنها که خارج از کشور هستند شد. بنابراین از این به بعد هزینه اینترنت داخلی یک سوم هزینه اینترنت خارجی حساب می شود. نکته قابل توجه این است که برای افزایش سرعت اینترنت لازم است که هم شبکه های ارتباطی اصلی و هم شبکه های درون شهری نوسازی و اصلاح شود. تا کنون قسمتی از شبکه های اصلی کشور نوسازی شده است اما شبکه های درون شهری هنوز همان شبکه های قبلی هستند! شبکه ملی اطلاعات بستری است برای اینکه مردم خودشان راحت تر تولید محتوا کنند و خودشان مصرف کنند؛ همچنین ارائه خدمات الکترونیکی دولتی و غیردولتی به مردم. خدمات شبکه ملی، خدمات الکترونیکی - تفکیک ترافیک داخلی و خارجی بوسیله تفاوت در قیمت و سرعت آن است. این که گفته شده "اینترنت ملی یعنی اگر ارتباط با خارج قطع شد سایت های داخل فعال باقی بمانند" این شبکه ملی اطلاعات نیست بلکه شبکه ملی یک نتورک خارجی و یک شبکه داخلی که سریع و ارزان باشد (با تلخیص) کاری که الان انجام شده تفکیک داخلی و خارج و افزایش سرعت و کیفیت و قیمت است. همزمان با گسترش امکانات برای دسترسی به محتوای داخلی، امکانات برای دسترسی به محتوای خارجی انجام می شود.

پروژه ی پرتو آبی یک تکنولوژی و یک سلاح برای ایجاد تصاویر مجازی ، صداهای مختلف ، ایجاد فرکانسها و امواج مرگبار و زلزله مصنوعی است که توسط سازمان فضایی ناسا ، خاندانهای سلطنتی راتچیلد و راکفلر ، حمایت و از لحاظ مالی تامین می شود. اولین گام در پروژه پرتو آبی ایجاد زلزله های مصنوعی در نقاط مختلف جهان است. زلزله هایی که نقاط دلخواه را تخریب میکند. در گام دوم پروژه بلوبیم مقابله با تهاجم فضایی را نشان میدهند. مانند ؛ فیلم ادیسه فضایی ، سری پیشتازان فضا ، روز استقلال ، جنگ ستارگان ، پارک ژوراسیک و... بلو بیم یک پروژه ۴ مرحله ای است که مرحله اول آن ایجاد زلزله های مصنوعی در نقاط استراتژیک جهان است. رخ دادن زلزله های متعدد در نقاط مختلف و بازنگری در بحث تاریخچه بازه ی زمانی زلزله های زمین این برمی آید که تعداد زلزله ها در چند سال اخیر روند رو به افزایش داشته است که این تعدد زلزله نه تنها باعث ویرانی بیش از حد شهرها بلکه باعث وقوع حوالت عظیم طبیعی دیگری همچون سونامی ، ریزش و رانش کوهها ، تغییر شرایط آب و هوایی ، فوران آشفشانها ، ذوب شدن یخهای قطبی و بسیاری مشکلات دیگر خواهد شد. گزارشها حاکی از آن است که به دلیل تغییر کلی در ساختار و روند طبیعی کره زمین به اسباب مختلف که اکثرا بدست بشر اتفاق افتاده است در چندین سال آینده وضع کنونی کره زمین با وضع موجود کاملا متفاوت است و ممکن است باعث انقراض چندین گونه مختلف از حیوانات و گیاهان ، نابود شدن و زیر آب رفتن مناطقی از زمین که باعث کشته شدن افراد بسیاری میشود. مرحله دوم یک نمایش فضایی غول پیکر را شامل می شود ، در این مرحله از پروژه پرتو آبی ، هولوگرام های سه بعدی و طرح های لیزر تصاویر هولوگرافی در سراسر آسمان پخش می شوند. برای ساخت این تصاویر از ماهواره های تولید کننده لیزر بر پایه فضا استفاده می کنند تا تصاویر همزمان را به چهار گوشه از سیاره در هر زبان و گویش بر اساس منطقه بسازند. طبق تصاویر و فیلم های منتشر شده اکثر این موارد در شهرهای ایالات متحده آمریکا رخ داده است ، مانند بازگشت حضرت مسیح. البته موارد دیگری

در غیر از ایالات متحده مشاهده شده است که میتوان به غیب شدن پاپ فرانسیس در مراسم سالیانه کلیسا در لندن برار چشمان هزاران نفر و دوربین های فیلم برداری. مرحله سوم، کنترل ذهن است. مانند دستگاه های ارتباطی تلفن همراه که امواجی برای بدست گرفتن مدیریت ذهن به مغزها می فرستد. این مرحله در باور بسیاری از افراد زیر نظر بنیاد علمی بیل گیتس و تحت پروژه تراشه گذاری افراد برای بدست آوردن اطلاعات مختلف نظیر بیولوژی بدن افراد و طرز تفکر آنها در موضوعات مختلف انجام می شود. در مرحله چهارم هر آنچه که مدنظر مدیران پروژه است به ذهن ها القا کرده و دیگر انسان ها مالک فکر و بدن خود نیستند و تحت فرمان امواج ارسالی قرار می گیرند و براساس تصمیم سازندگان آن عمل می کنند حتی در مواردی مانند کنترل جمعیت و پرداخت پول به صورت نقد یا ارز و... برای مثال می توان به شهرهای معلق در آسمان چین ، مشاهده یوفوها و بشقاب پرنده هایی که اخیرا به تعداد زیادی گزارش شده اند، آکواریوم غول پیکری که در آسمان سواحل شرقی و مناطق ویرجینیا مشاهده شد ، اشاره کرد و حتی پروژه ۱۱ سپتامبر را به نوعی از این جنس می دانند. در این فرایند امواج لیزر قوی از ماهواره ، هایی که در حدود ۱۰۰ کیلومتر بالاتر از سطح زمین قرار دارند بهره گرفته می شود. این پروژه در ابتدا برای اهداف صلح جویانه و انسان دوستانه و بررسی مشکلات زیست محیطی و آب و هوایی اولین بار در نروژ و برای زیر نظر گرفتن ابرهای آن منطقه ساخته شد اما متأسفانه مانند دیگر پروژه های خیرخواهانه در ادامه اهداف ضد امنیت بشر در آن گنجانده شد. آن ها با تخصیص طول موج الکترونیکی برای هر فرد که با جامعه نظم نوین جهانی سازگار نیست میتوانند او را وادار به خودکشی کنند. قسمتی از این پروژه با نام پروژه تراکتور امواجی ، برای تاثیر بر دستگاه های مختلف است! این امواج ماشین ها ، سلاح های پیشرفته و برق ها را از کار می اندازد همچنین این امواج مردم را در حالتی مانند خلسه فرو می برد و انسان از خود بی خود می شود. در اصل آن ها از آسمان به عنوان یک صفحه نمایش استفاده می کنند تا هر کاری که بخواهند علیه یک جامعه انجام بدهند. پرتوهای رایانه ای ، داده های گسترده ای در مورد هر انسان روی زمین از جمله نوع تغذیه،

پروژه پرتو آبی (بلوبیم)

زبان و گویش، فرهنگ، سبک زندگی و ... جمع آوری کرده و این اشعه ها با تفکر طبیعی فرد ارتباط برقرار کرده ، تفکری به نام تفکیک مصنوعی ، شکل می دهد و به این ترتیب کنترل ذهن افراد به دست سازندگان افتاده و قدرت القای هرگونه تفکری وجود دارد. با توجه به گسترش روز افزون علم و تکنولوژی و بالا رفتن سطح آگاهی و فرهنگ عمومی جوامع در بین الملل ، میزان سطح آگاهی مردم نیز رو به افزایش است. هم چنین شبکه های اجتماعی در تحقق این امر بی تاثیر نبوده است. همه روزه شاهد اتفاقات عجیب و غریب در سراسر دنیا هستیم که نمی توان از آنها چشم پوشی کرد البته از اخبار کذب نیز نباید غافل بود. امثال این پروژه نیز فرضیه ایست که نه میشود آنرا رد کرد و نه می شود آنرا اثبات کرد. به امید روزی که ستمکاری و دروغگوپی از جهان برچیده شود و عدل و داد حاکم شود...

تجرد قطعی

انرگس عبدالله

تجرد قطعی همان واژه غریبی است که در چند سال گذشته از مسئولین کشور تا مردم عوام را تحت تاثیر خود قرار داده است. بسیاری معتقدند که عدم توجه به قانون تسهیل ازدواج که قریب به ۱۵ سال پیش توسط شورای نگهبان تصویب شد، می تواند آینده تاریک تجرد را برای عده ای جوانان به وجود آورد. اگرچه این رویداد اجتماعی در ایران، به مسئله و یا آسیب اجتماعی تبدیل نشده، اما اگر اهتمام ویژه نوزند، ابتدا خانواده را به عنوان کوچکترین عنصر جامعه به شدت درگیر می کند و منجر به فروپاشی آن می شود و بعد جامعه را دچار آسیب های گوناگون همچون همباشی و... می کند.



بیانگر آن است که افراد نمی خواهند خود ازدواج شان را به تاخیر بیندازند. همچنین طبق تجربیات و پیمایشات در جامعه، مفهوم خانواده و فرزندآوری از اهمیت خیلی بالایی حتی در میان جوانان برخوردار است. **۴. چه عواملی منجر به تجرد قطعی می گردد؟** آخرین سرشماری کشور نشان می دهد که هر پدیده اجتماعی چند بعدی است و نمی توان گفت که بیشتر تحت تاثیر چه عواملی اتفاق می افتد. چراکه جامعه بر اساس ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد قشر بندی شده است. یکی از عوامل اجتماعی موثر در تاخیر ازدواج، تحصیلات است. یافته های پژوهشی نشان می دهد که اگر افزایش میزان تحصیلات ناسازگاری هایی بین نقش های افراد در خانواده و اجتماع به وجود بیاورد، ازدواج به تاخیر می افتد. درواقع اگر نقش های اجتماعی فرصت تجربه های گوناگون را فراهم و در عین حال نقش های خانوادگی آن ها را محدود سازد، تمایل به تاخیر افزایش می یابد. در برخی شهرستان ها، که تعداد زنانی که بعد از ازدواج تحصیلات را ادامه می دهند بسیار است، احتمال ازدواج بیشتر تخمین

اما بهتر است تعریف و واژه خاصی را به کار نبریم. چراکه اگر تجرد قطعی را طبق تعریف مرسوم آن، عدم ازدواج تا سن ۵۰ سالگی در نظر بگیریم، در کشور ما بیش از ۹۷ درصد آقایان و ۹۴ درصد خانم ها تا پایان سن ۴۹ سالگی ازدواج می کنند. با توجه به این آمار می توان گفت که هنوز ایران جزو کشورهایی است که عمومیت ازدواج در آن بسیار بالاست و تجرد قطعی بسیار کم است و طبق آمار نمی توانیم بگوییم از نظر اینکه افراد ما ازدواج نکرده باقی می ماندند، وارد دوران حساسی شده ایم. بنابراین این مسئله در ایران، مسئله بحران زایی تلقی نمی شود، ولی باید در آینده دید که چه تغییری می کند. **۳. چه میزان از تجرد به صورت خود خواسته و یا ناخواسته است؟** نکته قابل تأمل، میزان و تعداد تجردهای خودخواسته و یا ناخواسته است. بر اساس آمار، میانگین سن ازدواج برای زنان و مردان در طول زمان در ایران افزایش پیدا کرده است؛ اما پیمایش های ملی مرکز آمار ۹۳ و ۹۴، نشان می دهند سن دلخواه ازدواج زنان و مردان به طور میانگین پایین تر از سنی است که ازدواج می کنند. این آمار



۱. با عرض سلام، لطفا خودتون رو معرفی کنید و بفرمائید در کجا مشغول به کار هستید؟

عرض سلام و وقت بخیر، فاطمه ترابی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و پژوهشگر حوزه و معاونت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در دانشگاه تهران هستیم. **۲. تجرد قطعی به چه معناست و ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟**

در برخی متون غیر فارسی که در دهه های اخیر به چاپ رسیده، ۳۵ سال را سنی در نظر گرفته اند که اگر ازدواج صورت نگیرد، احتمال وقوع آن کاهش می یابد. اما درواقع مفهوم آن، نسبت سن افراد مجرد با سن احتمالی است که ازدواج بعد از آن بسیار کاهش می یابد. در ایران بیشتر متونی که تجرد قطعی را بررسی می کنند، سن ۵۰ سال را در نظر می گیرند.

زده شده است. این نشان می‌دهد جایی که افراد (مخصوصاً خانم‌ها) احساس کنند که هماهنگی بین فعالیت اجتماعی و خانوادگی وجود دارد و تحصیلات‌شان را محدود نمی‌کند، ازدواج را به تاخیر نمی‌اندازند. یکی دیگر از عوامل موثر اشتغال می‌باشد. در خصوص زنان، طبق سرشماری‌های سال ۹۵، کمتر از ۱۵ درصد زنان شاغل و یا در جستجوی کار بوده‌اند. با توجه به این آمار ایران جزو کشورهای نیست که سهم اشتغال زنان و مشارکت اقتصادی بالایی داشته باشند؛ بنابراین استقلال اقتصادی نمی‌تواند مانع قوی برای ازدواج باشد. همچنین این مسئله برای خانم‌های شاغل مهم است، ولی برای کل جمعیت کشور عامل اساسی نیست. در خصوص مردان بحث اشتغال بسیار حیاتی است و نقش به‌سزایی در مجرد مردان ایفا می‌کند. چرا که طبق الگوهای اصیل در کشور، نان‌آوری مردان و خانه‌داری زنان هنوز در جامعه رواج دارد. روند تغییرات سنی ازدواج نشان می‌دهد، حداقل در دهه‌های گذشته افزایش سن ازدواج خانم‌ها متوقف شد و در بین سال‌های ۸۵ تا ۹۵ از ۲۳.۳ به ۲۳ سال رسید است. اگرچه این کاهش سن در زنان نتیجه‌ی کاهش سن ازدواج در مناطق روستایی بوده است و در سطح کشور یک کاهش کوچک داشتیم، اما در مردان بیشتر از یک سال افزایش سن ازدواج را تجربه کردیم. این نشان می‌دهد متغیرها به شکل‌های متفاوتی در سن ازدواج زنان و مردان تاثیر می‌گذارند. پس نکته مهمی است که صحبت درباره عوامل ازدواج زنان یا مردان است.

۵. سبک زندگی و فرهنگ مردم چه میزان بر مجرد قطعی اثرگذار است؟

از دیگر عوامل موثر و حیاتی، می‌توان به فرهنگ و سبک زندگی اشاره کرد. چراکه در جامعه بسیار نمایان است که سبک زندگی و استانداردهای شروع زندگی نسبت به دهه‌های گذشته تغییر کرده و این نسل نسبت به نسل‌های قبلی، پیش نیازهای اقتصادی و رفاهی برای شروع زندگی را در سطح بالاتر دنبال می‌کند. اما نکته دیگر این است که با گسترش رسانه‌های جمعی و ارتباطات، فرهنگ‌ها بسیار به هم نزدیک می‌شوند. یعنی ممکن

دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی باشد. اما در همان استان‌ها ممکن است توسعه پایین‌تر باشد و هزینه‌ها نیز آسان‌تر گرفته شود. در واقع می‌توان گفت که مداخلات در مجرد قطعی افراد در مناطق مختلف و موقعیت‌ها متفاوت است. پس برنامه ریزی‌ها نیز باید متناسب با شرایط طراحی شوند. همچنین در هر استان جمعیت مسلماً ناهمگون است؛ بنابراین در بعضی از آمارها می‌بینیم سن دلخواه ازدواج برای افرادی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتری دارند متفاوت است، تحصیلات تاثیرگذار است و یا اینکه در منطقه شهری با سبک زندگی متفاوتی زندگی می‌کنند. بنابراین هر چه قدر مداخلات ما مبتنی بر شواهد علمی و مستند باشد، اطلاعات و احتمالات دقیق‌تری بدست می‌آید. بنابراین به عنوان عضوی از جامعه علمی کشور، توصیه می‌کنم هر سیاست‌گذاری که می‌خواهد اتفاق بیفتد، مبتنی بر شواهد علمی باشد. با رعایت تمام این پیچیدگی‌ها و در نظر گرفتن تمام پیچیدگی‌هایی که در دنیا وجود دارد می‌توانیم به نتیجه مطلوب برسیم.

است یک آداب و رسومی که در پایتخت کشور مرسوم باشد، در برخی نقاط کشور نیز به درجاتی مشاهده شود. در صورتی که امکان دارد درجه رفاه برای افرادی که در پایتخت زندگی می‌کنند با کسانی که در مناطق دیگری زندگی می‌کنند یکسان نباشند. همین‌ها شرایط را برای ازدواج و تشکیل خانواده افراد سخت می‌کند. همچنین عوامل فرهنگی بسیار مهم و تاثیرگذار است. با توجه به وضعیت فعلی کرنا که مباحث فرهنگی صورت می‌گیرد، حتی در رسانه‌ها کارشناسان توصیه می‌کنند که به سبک ازدواج کروناپی روی بیاورید. این مسائل فرهنگی را پدید می‌آورند که برخی‌ها تاکید دارند که مراسم ازدواج مجلل نیاز نیست و می‌توان زندگی ساده‌ای را شروع کرد؛ بنابراین باید گفت تعدادی پیش‌نیازهای ازدواج می‌تواند حتی به این صورت هم تغییر بکند و این‌ها ممکن است بعدها ازدواج را تسهیل کنند. در مسئله فرهنگ، ساختار جمعیتی نیز بسیار حائز اهمیت است. به این معنا که اگر در جامعه، بین تعداد زنان و مردانی که در موقعیت یا معرض ازدواج هستند همخوانی وجود نداشته باشد، مشکلاتی بر اثر این عدم تعادل به وجود می‌آید. با توجه به اینکه الگوی غالب در ایران تک همسری است، باید فاصله سنی زنان و مردان در ازدواج کمتر شود، تا این عدم تعادل از بین برود. در طول زمان و در نسل‌های مختلف با افزایش و یا کاهش میزان باروری، تعداد دختران و پسران متولد شده، متفاوت است. متولدین یک دهه در هرم سنی تعدادشان برابر است، و هرچه فاصله سنی نفرات کمتر و به هم‌سن بودن نزدیک باشد، این بی‌تعادل به وجود نخواهد آمد.

۶. چه طرح و برنامه‌ای در خصوص پیشگیری و یا کاهش حداکثری مجرد می‌توان طراحی کرد؟

وقتی بناست مداخلاتی طراحی شود، این مداخلات باید براساس این که به چه میزان پدیده مورد نظر از جمله مجرد قطعی در استان‌های مختلف، در آستانه شیوع بیشتر است، برنامه ریزی شود. همچنین باید توجه داشت که چه عواملی در این استان به این پدیده دامن می‌زند که ممکن است در برخی موارد عوامل فرهنگی مهم‌تر و در برخی



آرمان های فراموش شده و اعتراض به شیوه های نادرست اجرایی می باشد که اگر به خوبی مورد توجه قرار گیرد، کشور با سرعتی بیشتر همراه با رضایت عمومی مردم در مسیر تحقق اهداف قرار میگیرد. ما نیز همانند دیگر کشورها آرمان های نابی برای تحقق تمدن اسلامی داریم، که با برافراشتن پرچم مطالبه گری و حق خواهی، باید کمبودها و نقص های موجود در این مسیر را مرتفع سازیم. یکی از نکاتی که در موفقیت مطالبات سهم به خصوصی دارد، ماهیت مطالبات می باشد. اگر مطالبات در جهت رفع مشکلات اقتصادی، عدالت، اشتغال، مبارزه با فساد باشد؛ مطالباتی به حق، قانونی و در مسیر آرمانهای کشور می باشد و قطعاً گوش شنوایی برای رفع آن ها وجود دارد، اما اگر سمت و سوی تحقق امیال بیگانگان را داشته باشد، مطالبات باطل و مخالف منافع عمومی و درخواست کنندگان است، نباید انتظار شنیده شدن چنین خواسته هایی را داشت. از دیگر نکات حائز اهمیت شیوه های درست و تاثیرگذار در مطالبه گری است. آموزش و کسب آگاهی در خصوص موضوعات اولین گام برای شروع این حرکت می باشد که اگر نگاه ویژه ای به آن نشود، گام های بعدی را با مشکلات جدی مواجه میکند. مطالبه گری چون در مسیر رفع مشکلات حرکت میکند، همواره بانوعی اعتراض همراه است، که اگر هوشیاری در بیان آن وجود نداشته باشد، جریان معاند و مخالف رهبری آن را به دست میگیرند و منافع ملی کشور را به خطر می اندازند. بنابراین شناخت دوست و دشمن و در نظر گرفتن موقعیت زمانی و حساس کشور از الزامات ابتدایی می باشد. همچنین مطالبه گری فقط با انتقاد و اعتراض، مشکلات را رفع نمیکند، بلکه ارائه راه حل های پیشنهادی احتمال پیگیری را از طرف مسئولین افزایش میدهد و آن ها را برای تلاش بیشتر ترغیب میکند. قطعاً مطالبه در میدان عمل دشوار از تمام صحبت ها و الگوهای راهبردی ذکر شده در متن بالاست، چرا که نیاز به صبر و حوصله و همچنین پافشاری دارد تا به نتیجه مطلوب و حل مسئله برسد و باید در نظر گرفت که راه صد ساله را نمی توان یک شبه طی کرد! ما نیز به عنوان عضو کوچکی از جامعه دانشجویی بر آن شدیم به عنوان مؤذن جامعه، با بررسی هدفمند، یکی از مشکلات کلان نظام اقتصادی و سیاسی را مورد مطالعه قرار دهیم و راهکارهای راهبردی و گره گشا را به همراه مطالبات خود از مسئولین مربوطه، به آن ها ارائه دهیم تا نکاتی از قبیل نبود برنامه اجرایی برای رفع آن مشکل را از برطرف سازیم.

سیاسی یا جناحی براساس اولویت های اصلی مردم به پیگیری مشکلات بپردازد. آنچه در مطالبه گری حائز اهمیت است، تلاش برای دوری از جریانات تحریف و حواشی است، چرا که ممکن است افراد را از اصل موضوع دور کند و گاهی بسیاری از افراد را گمراهی بکشاند. دغدغه اصلی جوانان امروز باید لزوم مطالبه گری باشد. هر کشوری با هر اندیشه و اعتقادی، اهداف و آرمان هایی برای خود تعیین و فعالیت های حاکمیتی و مردمی کشورش را برای رسیدن به آن اهداف برنامه ریزی میکند و شرایط نائل آمدن بر آن فراهم می سازد. با گذشت زمان و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی امکان استحاله و یا کم رنگ شدن این اهداف افزایش می یابد. اگر کم رنگ شدن آرمان ها به خوبی مورد توجه و بررسی قرار نگیرد، آن جامعه از مسیر اصلی خود خارج شده و به سمت آینده ای تاریک قدم برمیدارد و هر روز به ضعف و ناتوانی در مدیریت کشور نزدیک میشود. مطالبه گری مستمر یکی از راه های یادآوری

پریان مرادی

از گذشته تا به امروز، ما شاهد لزوم تغییراتی در بخش های مختلف کشور از جمله نهادهای اجرایی و قانون گذاری هستیم و لازمه ی ایجاد تغییرات در آن را مطالبه گری می دانیم. یکی از نیازهای جامعه در جهت پیشگیری و رفع مشکلات کلان کشور، نظارت و پیگیری به صورت مداوم و همه جانبه است. در یک کشور زمانی نظارت و مطالبه گری ثمربخش خواهد بود که جوانان آن با ذهنی خلاق، آرمانخواه و با روحیه ای خستگی ناپذیر پا در عرصه حل مشکلات و دغدغه های مردم بگذارند. چرا که در آینده ای نزدیک مدیریت و سرنوشت کشور در اختیار جوانان و متعلق به آن هاست و تعداد کثیری از آنها، در منصب مسئولان کشور نقش آفرینی خواهند کرد. مطالبه گری حریف جوان و تازه نفسی می خواهد که درک درستی از اهم و مهم مسائل جامعه داشته باشد، تا بتواند فارغ از داد و بیدادهای

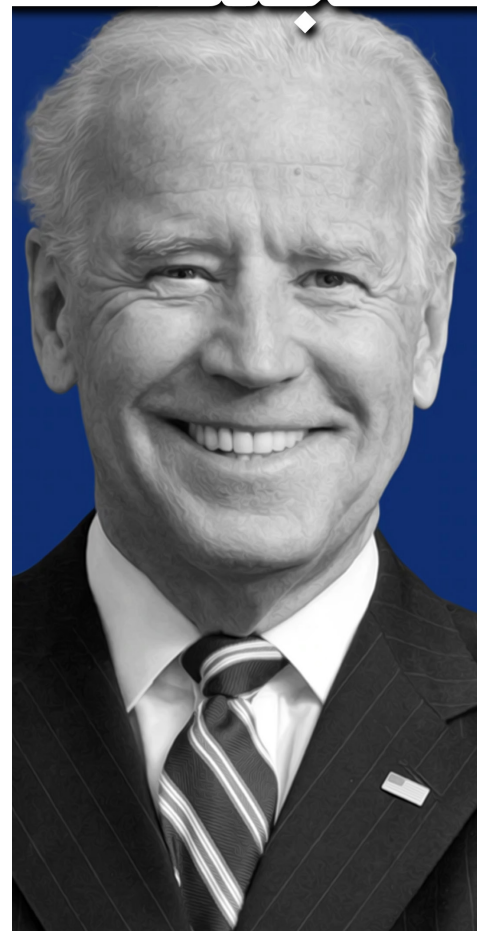
سرخابی‌ها



۳ سال مقاومت سخت و طاقت‌فرسای مردم ایران علیه تحریم‌های حداکثری ترامپ خبر از شکست سیاست‌های کلی آمریکا را دارد. اگر جو بایدن بر سر کار بیاید شاید وضع اقتصادی مردم در مدتی کوتاه بهتر شود اما بدانید که هیچ کشوری از سیاست‌های اصلی خود دست نمی‌کشد و باز هم ما هستیم که تا گردن در باتلاق تحریم‌ها فرو می‌رویم و همچنان باید متعهد به برجام بمانیم. چرا می‌گوییم باتلاق تحریم‌ها، زیرا تحریم‌ها در دوران بایدن قالبش تغییر پیدا می‌کند و حقوقی‌تر می‌شود. حال با همه این تفاسیر هنوز هم رییس جمهور آمریکا به طور قطع مشخص نیست زیرا ترامپ با به راه انداختن سناریوی «تقلب بزرگ» نتیجه انتخابات را قبول نکرده و شکایت کرده است؛ و با وجود حمایت نکردن جمهوری خواهان و نتانیاهو از ترامپ شانس پیروزی وی زیاد است زیرا از ۶ نفر اعضای دیوان عالی، ۳ نفر توسط ترامپ منصوب شده‌اند. اما این را بدانیم که آبی یا قرمز بودن نتایج مهم نیست، مهم این است که هر دو متعلق به آمریکا هستند و نگاهمان باید از غربگرا بودن به سمت توان داخلی تغییر جهت دهد.

چشمگیری پیدا می‌کند؛ پس این حاکی از آن است که کنترل نرخ دلار تا حدود زیادی در اختیار دولت است. دولتی که حفظ قدرت و منافع خود را بر مردم کشورش ترجیح می‌دهد. حال منظور از اهرم فشار چیست؟ اهرم فشار همان چیزی است که با آن معیشت مردم را گروگان می‌گیرند تا این فکر را در فضای جامعه القا کنند که اگر با بایدن برای برجام وارد مذاکرات بشویم، نه تنها وضع اقتصادی بلکه تمام مشکلات کشور بهبود می‌یابد. اما باید توجه داشت که ما برای برجام قبلی تمام قدرت هسته‌ای خود را دو دستی تقسیم کردیم و برای بستن قراردادی جدید باید امتیازاتی را واگذار کنیم که خوشایند آمریکایی‌ها باشد؛ یکی از این گزینه‌ها می‌تواند سلاح موشکی ما باشد و... وضع موجود جامعه طبق آمار نظرسنجی‌ها ۶۶ درصد آن حاصل فساد و سوءمدیریت دولت است و ۲۲ درصد آن مربوط به تحریم‌های حداکثری ۳ سال اخیر است. پس می‌توان نتیجه گرفت راه حل بسیاری از مشکلات در داخل کشور قابل پیگیری است و فقط همت دولت مردان را می‌خواهد. دولت کنونی در پی آن است که در طول زمان باقی مانده از حیاتش مذاکره کند؛ آن هم نه از موضع قدرت بلکه «مذاکره به هر قیمتی». اگر برجامی با بایدن بسته شود به طور قطع غیر از تغییر زمان اتمام برجام، مفاد و امتیازاتی مانند مواردی که بالاتر مثال زدیم، خواهد بود که باید واگذار کنیم و این به هیچ عنوان به نفع ایران و ایرانی نیست. این را باید بدانیم که ترامپ با بایدن فرقی ندارند و دسته‌بندی‌هایی مانند جمهوری خواه و دموکرات به درد وضع کنونی جامعه ما نمی‌خورد. تنها تفاوت بین آن‌ها این است که اولی کارهایش را در بوق و کرنا کرده و به گوش همه می‌رساند اما دومی در آرامش و سکوت این کار را می‌کند. و البته ترامپ از این دید برای جمهوری اسلامی ایران مفید بوده است زیرا برای شناساندن چهره واقعی سیاستمداران آمریکایی ما باید سالها تلاش و هزینه می‌کردیم اما ترامپ با عملکردش همه چیز را برای همه آشکار کرد. ترامپ کسی است که سردار سپهید قاسم سلیمانی را به شهادت رساند و بایدن کسی است که پس از خبر شهادت توییت می‌زند «عدالت درباره قاسم سلیمانی اجرا شد». آیا در این دو فرقی هست؟ آیا بایدن همان معجزه‌های است که مردم ایران به آن نیاز دارند؟ خیر، معجزه این است که دولت نگاهش را به طرف داخل کشور و سیاست‌های داخلی و ظرفیت‌های آن برگرداند و به توصیه‌های مقام معظم رهبری گوش فرا دهد.

جنگ



فاطمه فتحی پورا

آیا تا به حال از خودتان پرسیده‌اید که چرا نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نقد برای مردم ایران مهم شده است؟ چرا دولت نگاهش وابسته به نتایج انتخابات آمریکا است و با خبر پیروزی جو بایدن هفتاد و اندی ساله در رسانه‌هایش اعلام می‌کند که برای ایران «معجزه» رخ داده است؟ دولتی که با شعار تدبیر و امید بر سر کار آمد در طول ۷ سال گذشته با سوءمدیریت و نگاه همواره وابسته به سیاست خارجه دلار ۳۷۰۰ تومانی را به ۳۳۰۰۰ تومان رساند و امید، را نه تنها به جامعه تزریق نکرد بلکه نشاط جامعه را از بین برد. دولتی که از زمان شروع جو انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تمام سیاست‌های خود را متوقف کرده است تا ببیند چه کسی رای می‌آورد. دولتی که تنها سیاستش در این دوران، به گروگان گرفتن معیشت مردم، در جهت ایجاد اهرم فشار برای کنترل اذهان عمومی بوده است. خودتان فکر کنید وقتی هنوز، جو بایدن به صورت رسمی به کاخ سفید نرفته است و فقط اعلام شده است که رای اکثرال بیشتری کسب کرده است و پیروز جنگ سرخابی است، در این جا به یکباره قیمت دلار و طلا و ... کاهش



پشت پرده عادی سازی اعراب با اسرائیل

محمد رضا خبازیان

برای برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل را به شدت محکوم و آن را ضربه تازهای به تلاش‌ها برای دفاع از مسأله فلسطین قلمداد کرد. تشکیلات خودگردان فلسطینی به تصمیم بحرین برای عادی سازی روابط با اسرائیل واکنش نشان داده و این اقدام را «خیانت» به آرمان مردم فلسطین دانست. وزارت خارجه تشکیلات خودگردان فلسطین هم اعلام کرد، به دستور محمود عباس سفیر فلسطین در بحرین برای مشورت فراخوانده شد. پیش بینی سرنوشت کشورهایی که وارد روند عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی می‌شوند، مشخص و قابل پیش بینی است؛ نخست اینکه از لحاظ اقتصادی آنها بعد از گذشت چند دهه به شدت وابسته می‌شوند و زیرساخت‌های اقتصادی آنها به گونه‌ای طراحی و جابجا می‌شود که این کشورها دیگر از لحاظ اقتصادی نمی‌توانند روی پای خود بایستند. نمونه‌های این مسأله را می‌توان در مصر و اردن و همچنین تشکیلات خودگردان فلسطین مشاهده کرد. نکته دومی که در ارتباط با این کشورها رخ می‌دهد، این است که امنیت آنها دیگر امنیت گذشته نخواهد بود. سومین مسأله‌ای که باید به آن اشاره کرد، این است که طرف‌هایی که با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار می‌کنند به طور کلی استقلال خود را از دست می‌دهند و تبدیل به زیرمجموعه‌ای از اسرائیل و آمریکا در منطقه می‌شوند. بررسی روزنامه‌ها، تارنماها و خبرگزاری‌های داخلی نشان می‌دهد که رسانه‌های داخلی علاوه بر توجه به ابعاد مختلف روند عادی سازی ارتباط با رژیم صهیونیستی، اهداف و نافع آن برای آمریکا و هم‌دستانش را نیز بررسی کرده است.

جهت کشورهای عربی نسبت به اقدام آمریکا و استرالیا برای انتقال سفارت خود از تل‌آویو به قدس سکوت نمودند و برخی دیگر نیز از این اقدام حمایت کردند. ناتوانی عربستان سعودی و متحدانش در شکست دادن محور مقاومت از دیگر دلایل تسریع روند عادی سازی روابط کشورهای عربی با تل‌آویو بوده است. عربستان سعودی طی سال‌های گذشته از تمامی امکانات خود برای تضعیف محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده است. ریاض در تمامی حوزه‌ها از جمله امنیتی، نظامی، اقتصادی، نفتی از هیچ تلاشی برای ضربه وارد کردن به ایران به عنوان بازوی اصلی محور مقاومت در منطقه دریغ نکرده است. اما سعودی‌ها به جز امکانات مالی و رسانه‌ای ظرفیت دیگری برای مقابله با محور مقاومت ندارد. به غیر از چند کشور محدود در جهان عرب که از عربستان سعودی کمک‌های مالی دریافت می‌کنند سایر کشورها نگاه مثبتی به ریاض ندارند. در واقع عربستان سعودی در ایجاد یک ائتلاف عربی علیه محور مقاومت و ایران با ناکامی بزرگی مواجه شده است. از این رو به دنبال متحد منطقه‌ای قدرتمند جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه است؛ در مقابل ایران، تشکیلات خودگردان فلسطین، جنبش حماس و ترکیه این توافق را محکوم کردند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیهای ضمن محکومیت شدید اعلام برقراری روابط دیپلماتیک میان بحرین و رژیم صهیونیستی، آن را اقدامی ننگین و خفت بار از سوی بحرین دانست که آرمان فلسطین و چندین دهه مبارزات و تحمل رنج و مصیبت مردم فلسطین را در قربان گاه انتخابات آمریکا ذبح می‌کند. وزارت امور خارجه ترکیه هم تصمیم بحرین

شکل گیری روابط حسنه عربی - اسرائیلی نه یک معجزه است و نه نتیجه ماه‌ها دیپلماسی طاقت فرسا توسط دولت ترامپ. بلکه اسرائیل و رهبران عرب در خلیج فارس سال‌هاست که در حال برقراری روابط بی‌سر و صدا بودند. هسته این نزدیکی و اتحاد به واقع حس نگرانی و تهدید مشترک نسبت به ایران و گامی در جهت پر کردن خلاء در منطقه به دلیل عقب نشینی آمریکا در برخی از بحران‌های منطقه‌ای به دلیل برخی سیاست‌های ریاض اقتصادی و تمرکز بر قدرت یابی چین است. به عبارتی دولت ترامپ تلاش کرده تا از این اعلام برگ برنده‌ای برای خود در انتخابات ریاست جمهوری بسازد و افکار عمومی را از مدیریت فشل خود در سایر پرونده‌ها به سان کرونا و سیاست خارجی متزلزل به این سو بچرخاند؛ هر چند در همین هم ناکام مانده است. اسرائیل نیز به دلایل مختلف با اعراب سرسازش و عادی سازی روابط را انتخاب کرده است. چرا که دشمن مشترک آنها یعنی ایران (که در دهه‌های اخیر با کمک‌هایش توانسته عراق، سوریه، لبنان و یمن را از چنگ تکفیر یسم نجات دهد) حالا با جدیت بیشتری گروه‌های مقاومت در فلسطین را با خود متحد کرده و قصد آزادی فلسطین اشغالی را دارد. اسرائیل به منظور مقابله با مقاومت اسلامی قطعا به اتحاد با دولت‌های عربی منطقه نیاز دارد. رهبران عرب به دلیل هراس از دست دادن تاج و تخت خود خواهان رابطه با اسرائیل به منظور جلب حمایت و کسب رضایت آمریکا هستند. در واقع انگیزه کشورهای عربی برای عادی سازی روابط با تل‌آویو به این تفکر اشتباه‌باز می‌گردد که «راضی نمودن اسرائیل به معنای رضایت آمریکا و کسب حمایت آن است.» به همین

عبور از روحانی

این از جمله واقعیت‌هایی است که البته معمولاً در کلام رییس جمهور محترم به آن اشاره ای نمی شود! واقعیت دیگری که معمولاً در مواضع آقای روحانی نادیده گرفته می شود مربوط به عرصه جهانی است. واقعیت این است که آقای روحانی و تیم سیاست خارجی شان علی رغم تلاش های زیادی که برای برقراری نوعی تفاهم و توافق با غربی‌ها انجام دادند نتیجه ای نگرفتند و این واقعیت، خود بر واقعیت مهم دیگری متکی است؛ آن هم نگاه و تفکر به شدت خوشبینانه دولت و شخص رییس جمهور به هم تایلان غربی (اروپا و آمریکا) است. در ماجرای بدعهدی آمریکای و خروجش از برجام بار دیگر ثابت شد که راه حل مشکلات اقتصادی، اعتماد به بیگانگان نیست، بلکه باید بر توان داخلی تکیه و اقتصاد کشور را مقاوم سازی کرد. در شرایط کنونی راه برون رفت از مشکلات کشور را می توان اعتماد به ظرفیت جوانان دانست، در سال های پس از انقلاب اسلامی و به طور مشخص در ۸ سال دفاع مقدس به تکیه بر همین ظرفیت موفقیت های چشم گیری حاصل شد. شاید هنوز هم دیر نشده باشد! اگر به جای اتکا به غرب و انتظار از آنها، به جوانان این کشور بها داده شود، کلید دولت تدبیر و امید شاید دوباره در قفل بچرخد و مشکلات حل شود.

خودرو، ارز و کالاهای اساسی چه بوده است؟! از این روست که کناره گیری رئیس جمهوری، وضعیت ایده آل مدعیان اصلاحات برای بازسازی چهره خود در افکار عمومی است چه آنکه استعفا یا استیضاح روحانی یکی از بهترین چاره جویی های آنان برای مظلوم‌نمایی و القای وجود «دست‌های پنهان»، «دولت پنهان» و این گزاره که «گذاشتند کار کنیم» است. اما به راستی شخص رییس جمهور چقدر در بوجود آمدن شرایط نابسامان فعلی کشور نقش دارد؟ به نظر می رسد وضعیت اقتصادی کشور، به طور سیستماتیک، گسترده و جدی دچار ایراد است، نمی توان گفت که قوانین و مقررات مصوب مجلس هم مشکلی ندارند و هر اشکالی هست در اجراست. اما صحبت این است که مردم، در دولت اهتمام و اراده ای را برای حل مشکلات خود نمی بینند و اینطور حس می شود که مسئولین از وضعیت موجود کمال رضایت را دارند! امروز بر خلاف عموم مردم، برخی از مسئولین کشور زندگی راحت و بی دغدغه ای دارند. دست کم از مشکلات کمرشکن طبقات ضعیف جامعه در میان آنان خبری نیست. فرزندانشان طعم بیکاری را نمی چشند یا اگر هم فرزند بیکار داشته باشند غم نان و مسکن ندارند. از آنها که سرمایه های صد یا هزار میلیاردی دارند هم هیچ نمی گوئیم. فکر و رفتار مسئولین اشرافی با تراز اندیشه انقلاب اسلامی تفاوت دارد، که آن هم در گرو آگاهی مردم در انتخاب آنها و بازگشت به معیارهای معقول گفتمان اصیل انقلاب اسلامی است.

اسجاد حسینی

انتقاد از دولت و شخص رییس جمهور، خاصه در فضای مجازی این روزها بالا گرفته تا جایی که برخی از چهره هایی که در انتخابات سال ۱۳۹۶ از مردم خواسته بودند در رقابت حسن روحانی با ابراهیم ریسی به او رای دهند ابراز پشیمانی می کنند و حتی تعبیر «عبور از روحانی» از زبان بعضی از تحلیلگران سیاسی نیز شنیده می شود. انتقادهای از «ناکارآمدی» در حالی صورت می گیرد که اگر به حافظه تاریخی خود رجوع کنیم؛ زمانی «شیخ تکرار» و آیت الله هاشمی رفسنجانی همه توان خود را برای سپردن سکان‌ها به رئیس دولت تدبیر و امید و امیدهای مجلس و شورای شهر صرف کردند. در تاریخ ثبت شده است که آیت الله هاشمی رفسنجانی پس از به روی کار آمدن دولت روحانی تصریح کرده بود: «دکتر روحانی یک هفته قبل از انتخابات ۹۲، سه درصد رأی داشت که با حمایت «من» به بالای ۵۰ درصد رفت». از این رو می توان گفت مسئولیت کامل خوب و بد این روزها در افکار عمومی به پای اصلاحات نوشته شده است. بیش از ۷ سال گذشته و چند ماه بیشتر به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نمانده است؛ ماحصل عملکرد دولت تدبیر و امید که با حمایت اصلاح طلبان روی کار آمد جز فاجعه مدیریتی و بروز و ظهور تورم‌های چندصد درصدی در بخش‌های مسکن،

این روزها همه ما مردم کشور، دوران سخت و متفاوتی را تجربه می‌کنیم که تا پیش از این، در موقعیتی این‌چنینی قرار نگرفته بودیم و شاید به همین خاطر است که متأسفانه عده‌ای هنوز نتوانسته‌اند شدت و اندازه این خطر بزرگ را درک کرده و رفتارهای عادی و روزانه خود را کنار بگذارند. در این شرایط بحرانی و نفس‌گیر که مدام از مردم درخواست می‌شود در خانه بمانند و از سفرهای غیرضروری حتی درون شهری خودداری کنند متأسفانه شاهد رفت و آمدهای عادی و روزمره در سطح شهر هستیم که خطر بزرگی برای کنترل شیوع این بیماری است. ویروس کرونا امروز بدون شک یکی از مسائل مهم پیش‌روی تمام کشورهای دنیا و ایران اسلامی است، نوعی اپیدمی که تک‌تک افراد می‌توانند هدف آن قرار بگیرند و مسئولیت اجتماعی و رفتارهای فردی در کنترل و مدیریت آن تاثیر بسزایی دارد. غلبه بر کرونا زمانی امکان‌پذیر می‌شود و نتایجی خوب به همراه خواهد داشت که فرهنگ عمومی جامعه و فرهنگ حقیقی مدیریت بحران در یک نقطه تلاقی به یکدیگر پیوند بخورند زیرا یکی بدون دیگری برای حصول نتیجه بی‌فایده است. رعایت اصول بهداشتی در کشور توسط همه

افراد جامعه باید به صورت یک فرهنگ در آید زیرا ویروس کرونا بسیار خطرناک است و رفتارهای متفاوتی را با علایم مختلف از خود بروز می‌دهد، اگر مردم موارد را بطور کامل رعایت کنند می‌توانیم آن را شکست دهیم. فرهنگ مردم در کرونا خیلی به پیشگیری این ویروس کمک میکند. برای شکست دادن این ویروس باید دست دادن و روبوسی از کارهای روزانه مردم حذف شده و مهمانی‌های خانوادگی، مراسم‌ها و جشن‌های عروسی به حداقل برسد و مردم جز برای انجام کارهای ضروری نباید از خانه‌های خود خارج شوند. همه‌ی مردم باید بدانند که در مقابل یک دیگر مسئولند و در زمان حضور در کنار هم با استفاده از ماسک حداقل فاصله اجتماعی را رعایت کنند و در مکان‌هایی که تجمع زیاد هست حضور پیدا نکنند. با آمدن کرونا خیلی چیزها را فهمیدیم و قدر داشته‌هایمان را دانستیم. کرونا به ما یادآوری کرد که همه‌ی ما انسان و در مقابل حال یک دیگر مسئول هستیم و یادمان انداخت که ما آفریده شدیم برای مهربانی، عشق ورزیدن، لذت بردن، شاد زیستن و... تا دنیا را به جای بهتری برای زندگی تبدیل کنیم. روزهای خوبی را سپری نمی‌کنیم ولی زمان خوبی است که به مقام انسان بودن بیشتر بیاندیشیم.



فرهنگ مردم در کرونا

«مجبور نیستید برای از بین بردن یک فرهنگ کتاب‌ها را بسوزانید، فقط کاری کنید که مردم آن‌ها را نخوانند». کتاب خواندن به صورت معجزه‌آسایی شمارا نسبت به حقوق اجتماعی خودتان، حدود لازم الرعایه توسط شما، و نسبت به شخصیت، منش و آداب و رسوم حضور در اجتماع آگاه می‌سازد. همه‌ی ما در زندگی کارهای متفاوتی را انجام می‌دهیم تا ذره‌ای بهتر شویم، پیشرفت کنیم و پا به عرصه ظهور بگذاریم. هر فعالیتی ممکن است ضررهایی به همراه داشته باشد، اما کتاب را می‌توان به عنوان بی‌ضررترین ناجی دانست؛ پس بیاییم حداقل در این روزها که قفس ویروس همگانی جسممان را سخت در آغوش گرفته است، قدری با کتاب به روحمان فرصت پرواز دهیم، چرا که درد‌های جسمانی همیشه گذرا هستند و آنچه از ما خواهد ماند اثر روحمان است. حال که چرخ روزگار ما را از تجربیات فرسنگ‌ها دور کرده است؛ بهترین موقعیت برای کسب تجربه از ورای کتاب‌هاست، دیدن و حس کردن دیدگاه‌های جدید هم می‌تواند ما را در درک بحران‌های کنونی کمک دهد و هم می‌تواند خلاقیت‌های شگرفی پیش‌رویمان بگذارد. پس اگر دنیا راه پاهایمان را بسته است با کتاب راه افکارمان را باز کنیم که فکر اتاق تاریک بی‌انتهاست ...



بهترین همدم

خواندن همه کتاب‌های خوب مانند گفتگو با بهترین ذهن‌های قرن‌های گذشته است.

گذر کرده است و تجربیات جدیدی را به دست آورده. نویسنده فداکارترین انسان می‌تواند باشد، چرا که کالای تجربه را که به قیمت عمر وی کسب شده، مهمان کلمات می‌کند و اندیشه خود را روی کاغذی کاهی قلم می‌زند. و چه کاری راحت‌تر از خواندن این اندیشه‌ها! به عقیده من، کتاب فرصت زندگی هزاربارم‌انسان می‌دهد. وقتی با جریان کتاب همراه می‌شوید در بطن یک زندگی بارها تجربه می‌کنی و شاید به عین آن رابینینی اما از نتیجه آن عبرت می‌گیری. و کتاب تنها ناجی روزهای تاریک است، می‌گویم ناجی و شاهد حرفم جمله ایست از ری بردبوری که می‌گوید:

از ازل تا ابد هر انسانی که به حکم زندگی روی زمین می‌آید، تنها یکبار قادر به زندگی است؛ اما میل به بی‌نهایت طلبی، هیچگاه انسان را به زندگی یگانه‌راضی نکرده است. پس چاره چیست؟! بزرگان اهل قلم و صاحب‌ایده همیشه بر این باورند که انسان با تجربیات گوناگون دوباره زاده می‌شود و هر تغییر سبکی در فکر و اندیشه وی تولدی دوباره است. یکی از راه‌های کسب تجربه‌های متفاوت، خواندن کتاب است. هر کتاب فارغ از صفحات و کلمات حامل روحی است که یک دوران را

صبا نصیری مقدم

شهدای اربعه

زهرا حسینی

حلب، کفیسست نامش از زبان جاری شود و به گوش اهل دلش برسد. کهکشان خاطرش ققنوس وار به سوی چهارستاره ای می رود که صورت فلکی زیبایی را در جبهه مقاومت ترسیم کردند و در آسمان آبی خاطره ها ماندگار شدند این روزها ستاره های قصه ما به شهدای اربعه حلب شهرت یافته اند. شهیدایی که در اوج طراوت و جوانی، بند بند وجودشان را از دنیا و مافیها، شستشو دادند و راهی دفاع از حریم آل الله شدند. جوانهایی که هر کدام ستاره ای روشنایی بخش در میان اهل بیتشان بودند، گاهی که غرق خاطرشان میشوم، در گوشه ای از ذهن خویش صندوقچه ی حیاتشان را باز میکنم، به دفتر زندگی هر کدامشان که میرسم، ورق میزنم و آنگاه که با چشم روح وصیت نامه هایشان میخوانم، به سر منزلگاهی میرسم که در آنجا خوب میفهمم، آری، این من هستم که قافیه را باخته ام، این جوانها چه زیرکانه و هوشیارانه سنگر نفس و شیطان را هدف قرار دادند و چه زیبا در خون خویش غلطیدند اما اکنون، من، با شما هستم، ای ستاره های شب های آفتابی حلب، چگونه عاشقانه هایتان را در وصف جانانتان فریاد کردید که موج صدایش بیدار کرد حتی آن خواب برده از فرط گناه را اصلا بگویند چگونه شد که با وجود کم سن و سالیتان راه پیران عارف را در کوتاه ترین مسیر ممکن از آن خود ساختید؟ ای شهدا، مرا دریابید، شما را به تمام رمز علمیات هایتان، سوگند میدهم، این راز سر به مهر بسته را برایم بگشایید و حال، در این ثابیه های طاق فرسای زندگی چه دارم که بگویم، جز اینکه خود را به زنجیر اعتراف بکشانم، که آری، این واژه های سیاه و سفید من فقط بلدند رو به روی شما ناله سر دهند و زار زار اشک بریزند، کاش میدانستند، خاطر و یاد شما زنگ هجرت است به سوی ابدیت..

کتاب

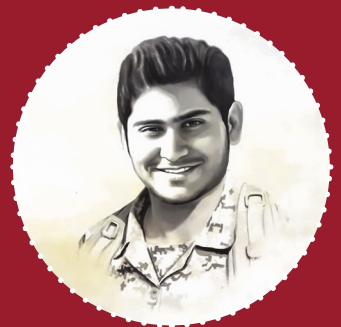
از شار تا شهر

سیدعلیرضا طهوری

دکتر سید محسن حبیبی متولد ۱۳۲۶ در کرمانشاه متولد شد او دیپلم متوسطه را در رشته ریاضی از دبیرستان شاپور کرمانشاه اخذ کرد و دارای دو مدرک در مقطع فوق لیسانس در رشته های معماری و شهرسازی از دانشگاه تهران و دکترای شهرسازی از دانشگاه پاریس بود. وی بیش از شصت مقاله در زمینه شهرسازی و معماری نوشت. کتاب از شار تا شهر تالیف مرحوم دکتر سید محسن حبیبی رامیتوان اینطور توصیف کرد که یکی از بهترین کتاب های شهرسازی یا حتی معماری نامید. کتاب از شار تا شهر را میتوان به عنوان یکی از منبع های مهم آموزشی برای دانشجویان شهرسازی و معماری دانست. کتاب دارای ۳ فصل است. دانشجویان با مطالعه فصل اول این کتاب با مفهوم شهر نشینی و شهرسازی قبل از اسلام آشنا میشوند. در فصل دوم، شهر نشینی، شهر گرای و شهرسازی در دوران اسلامی و در فصل آخر دانشجویان با مطالعه مبحث شهر نشینی، شهر گرای و شهرسازی در دوران معاصر با واژه و مفهوم شهرسازی کاملاً آشنا خواهد شد. هر دانشجوی رشته مهندسی شهرسازی و مهندسی معماری حداقل یکبار باید کتاب از شار تا شهر مرحوم دکتر سید محسن حبیبی را مطالعه کند تا با مفهوم واقعی شهرسازی آشنا شود.



شهید محمدرضا دهقان



شهید مصطفی موسوی



شهید احمد عطائی



شهید مسعود عسگری

تاریخ شهادت ۲۱ آبان ۱۳۹۴